

به نام بزرگ او

درس هفتم (علم زندگانی) پایه هفتم

دبیر ادبیات فارسی: مسعود سلطانی

قالب شعر: مثنوی

شاعر: پروین اعتصامی: در تبریز متولد شد و فرزند یوسف اعتصام الملک آشتیانی بود. سرودن شعر را از هشت سالگی آغاز کرد. و نخستین شعرهایش در مجله «بهار» به چاپ رسانید. بیشتر قطعات خود را بصورت گفتگو سرود که در اصطلاح به آن مناظره می گویند. اکثر اشعارش در قالب قصیده و قطعه است.

معنی واژه های درس هفتم

شوق: اشتیاق، علاقه	جرات: شهامت	شاخسار: شاخه درخت
بامکی: بام کوچک	جو کناری: جویبار	گیتی: جهان، دنیا
سست: ضعیف، بی حال	عجز: ناتوانی	بس: بسیار
نوکاران: تازه کاران، بی تجربه ها	برزن: محله، کوچه	توش: ذخیره، مخفف توشه
حدیث: سخن، داستان	گنج: چیزی با ارزش	گه: گاه، زمان
دمساز: همراه، سازگار	هجوم: حمله، یورش	فتنه: آشوب، در اینجا بدبختی، عذاب
برومند: بارور، با ثمر، پر بار	باز: پرنده شکاری	

معنی شعر علم زندگانی

۱ کبوتر بچه ای با شوق پرواز به جرات کرد روزی بال و پر باز

واژه های قافیه: پرواز/باز

معنی بیت: روزی جوجه کبوتری با اشتیاق پرواز، با شهامت، بال و پرش را گشود.

۲ پرید از شاخکی بر شاخساری گذشت از بامکی بر جو کناری

معنی بیت: از شاخه کوچکی بر شاخه دیگر پرید و از بام کوچکی به کنار جویباری پرواز کرد.

۳ نمودش بس که دور آن راه نزدیک شدش گیتی به پیش چشم تاریک

دور و نزدیک: آرایه تضاد * واژه های قافیه: شاخساری/کناری

معنی بیت: از بس که آن راه نزدیک به نظرش طولانی آمد، جهان در پیش چشمش تاریک شد. (خسته شد)

۴. ز وحشت سست شد بر جای، ناگاه ز رنج خستگی درماند در راه

واژه های قافیه: ناگاه/راه

معنی بیت: ناگهان به خاطر وحشت و ترس، بر جایش بی حال ایستاد و از شدت رنج و خستگی از ادامه حرکت بازماند.

۵ فتاد از پای، کرد از عجز فریاد ز شاخی، مادرش آواز در داد

واژه های قافیه: فریاد/داد * فتاد از پای آرایه کنایه (کنایه از ناتوانی)

معنی بیت: درمانده شد و از عجز ناتوانی فریاد کشید، ناگهان مادرش با صدای بلند گفت:

۶ تو را پرواز بس زود است و دشوار ز نو کاران که خواهد کار بسیار؟

واژه های قافیه: دشوار/بسیار

معنی بیت: پرواز برای تو بسیار زود و سخت است و کسی از افراد بی تجربه و تازه کار انتظار کارهای بزرگ ندارد.

۷. هنوزت نیست پای برزن و بام هنوزت نوبت خواب است و آرام

واژه های قافیه: بام/آرام

معنی بیت: تو توانایی رفتن به کوچه و پریدن بر روی بام را نداری و الان زمان استراحت کردن تو است .

۸. تورا توش هنر می باید اندوخت حدیث زندگی می باید آموخت

واژه های قافیه: اندوخت/آموخت * توش هنر: تشبیه (هنر مانند توش است)

معنی بیت: لازم است که تو تجربه اندوزی کنی و راه و رسم زندگی کردن را یاد بگیری.

۹. ببايد هردو پا محکم نهادن از آن پس فکر بر پای ایستادن

واژه های قافیه: نهادن/ایستادن

معنی بیت: باید اول بتوانی هر دو پایت را محکم و استوار بر روی زمین بگذاری و بعد از آن به فکر ایستادن باشی.

۱۰. من اینجا چون نگهبانم تو چو گنج تورا آسودگی باید مرا رنج

واژه های قافیه: گنج/رنج * آرایه تشبیه (چو نگهبان/ چون گنج)

معنی بیت: من در اینجا همانند نگهبان هستم و تو چون گنجی با ارزش می باشی، تو باید آسوده و راحت باشی و من باید رنج محافظت تو را تحمل کنم.

۱۱. مرا در دام ها بسیار بستند ز بالم کودکان پرها شکستند

معنی بیت: من در دام های بسیاری گرفتار شدم و کودکان، پرها و بال هایم را شکستند (رنج و سختی زیادی را تحمل کردم و تجربه اندوختم)

۱۲. گه از دیوار سنگ آمد، گه از در گهم سر پنجه خونین شد، گهی سر

قافیه ها : در/سر * در و دیوار: مراعات نظیر * سرپنجه و سر: مراعات نظیر

معنی بیت: گاهی از بالای دیوار و گاهی از در خانه به من سنگ می زدند و مرا زخمی می کردند.

۱۳. نگشت آسایشم یک لحظه دمساز گهی از گربه ترسیدم گه از باز

واژه های قافیه: دمساز/ باز

معنی بیت: من لحظه ای در زندگی، در آسایش به سر نبردم. زمانی از گربه و گاهی از باز ترسیدم.

۱۴. هجوم فتنه های آسمانی مرا آموخت علم زندگانی

واژه های قافیه: آسمانی/زندگانی

معنی بیت: بلاها و مشکلات روزگار، علم زندگی کردن را به من یاد داد.

۱۵ نگرده شاخک بی بن، برومند

ز تو سعی عمل باید، ز من پند

واژه های قافیه: برومند/پند

معنی بیت: شاخه کوچکی که بدون ریشه باشد، میوه نمی دهد؛ (رشد نمی کند) بنابراین تو باید سعی و تلاش کنی، من هم باید به تو پند و اندرز بدهم.

خود ارزیابی

۱. چرا گیتی به چشم کبوتر بچه تاریک شد؟

چون پرواز کرده بود و خسته شده بود و دیگر توان پر زدن نداشت.

۲. به نظر شما کبوتر بچه ممکن است چه پاسخی به پند مادر داده باشد؟

به نظر من کبوتر بچه از مادرش به خاطر در اختیار گذاشتن این تجربیات تشکر کرده و آنها را پذیرفته و سعی کرده است که به پندهای مادر عمل کند.

۳. پیام اصلی درس چیست؟

پیام اصلی این شعر این بود که برای رسیدن به موفقیت باید در ابتدا با تلاش و پشتکار و مشورت با بزرگان و استفاده از تجربیات آنها راه رسیدن به موفقیت را فرا گرفت.

دانش زبانی درس هفتم

متمم اسمی است که بعد از حرف اضافه بیاید. حرف اضافه همانند از* به* که* در* بر* برای* با* تا* و... هستند که نشانه متمم نام دارد و اسم بعد از آن متمم است.

مانند:

علی میوه را از (نشانه متمم) مغازه (متمم) خرید. * گربه از (درخت) (متمم) به زمین (متمم) افتاد.
من در (نشانه متمم) خانه (متمم) خوابیدم. * برادرم توپ را به (نشانه متمم) احسان (متمم) داد.

حکایت « دعای مادر »

معنی کلمات:

ابتدای کار: شروع زندگی بخسب: بخواب باز ماندن: محروم شدن

از نماز شب باز ماندم: نتوانستم نماز شب را بخوانم از بهر: بخاطر

درجت: درجه، رتبه اولیا: جمع ولی، دوستان خدا

مستجاب: پذیرفته شده، اجابت شده رحمه الله علیه: رحمت خدا بر او باد

آرایه های ادبی:

کار: کنایه از راه و طریقت عرفانی

از عبادت خوابم نمی برد: از (شدت شوق و انجام) عبادت، در این جمله محذوف است و باعث اغراق (بزرگنمایی) بیشتر در جمله شده است.

بازماندن: کنایه از «از کار ماندن، متوقف شدن» «دست» در سطر سوم: آرایه تکرار

دست و سر: تناسب ای تن...: تشخیص جای: کنایه از جایگاه و مقام

پایان